

بکوشیم تا جزء را در کل بیابیم



سید محمد علی گلابزاده

مدیرمسئول

قرار گرفته و شاید هم در میان دشواری‌های کلان، رنگ باخته‌اند. متغیرهایی که نشان پیوستگی همه مقوله‌های زندگی، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تولیدی است. یعنی شعاع یک رنج و دامنه یک دشواری تا فرسنگ‌ها دورتر، اثر گذاشته و اهمیت خود را بروز داده است.

در چنین وضعیتی است که پرداختن به یک مقوله، برای رهایی آن جامعه از بار مصیبت، گرچه لازم است، اما کافی نیست. بدیهی است در روزگار غمبار کنونی که طوفان حادثه، صحیفه اقتصاد را ورق‌ورق کرده و هر برگ آن را فرش راهی ساخته، پرداختن به امور اقتصادی لازمه عقلانیت است، اما اگر در جوار آن نیم‌نگاهی به سایر موارد اجتماعی، فرهنگی و ... نباشد، با حلقه مفقوده‌ای روبرو خواهیم شد که ما را آسان به هدف نخواهد رساند.

اینک ما و آزمونی بزرگ و گام‌هایی که هر یک صفحه‌ای از تاریخ را رقم می‌زند، از یاد نبریم که یکسو نگری در وضعیت کنونی، دردی را درمان نمی‌سازد، اگر اتفاق کرمان برای رهانیدن دشواری‌های فلان منطقه کمر همت می‌بندد و گام‌ها را استوار می‌سازد، در راستای همین درک منطقی است، اگر نیروی انسانی کارآمد و رها از بند و دشواری‌ها آماده و مهیا نباشد چه کسی چرخ‌های اقتصادی را به گردش درآورد؟ وقتی اندیشه انسان‌ها به بار می‌نشیند، تولید هم پویایی خود را باز می‌یابد و الا به بی‌راهه خواهد رفت و ... «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل». سخن آخر اینکه به قول صاحبان نظر و اندیشمندان عرصه روانشناسی، بکوشیم تا جزء را در کل بیابیم، نه اینکه کل را در جزء جستجو کنیم.

تفاوت زیستن در بحران و زندگی در وضعیت عادی درست مانند گذر از رودخانه‌ای موج و سرکش با قایقی نه چندان مطمئن و عبور از حاشیه‌های پارکی با فضای پُر درخت و بهره بردن از هوای دلپذیر آن است از سوی دیگر، زندگی از روز نخست تاکنون، همواره یک سیر مشخص و دلخواه نداشته و جام حیات، آمیزه‌ای از شهد و شرنگ بوده است، با این سنت که یک روز تلخی آن بر شیرینی‌اش افزون شده و روز دیگر ای بسا شهد آن بیشتر گردیده است.

شاید قسمت چنین بود که نسل کنونی یعنی انسان‌هایی که در پنج شش دهه اخیر، شاهد فرازوفرودهایی به‌اندازه یک‌فصل از تاریخ بوده‌اند، با گذار از روزگار استثنائی و یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای قرن، تجربه خود را کامل کند و شرح این‌همه از حوادث را به تاریخ بسپارد.

بحران کرونا و ویروس منحوس کرونا، تنها سلامت جسمی انسان‌ها را نشانه نرفته است، بلکه روح و روان آن‌ها را نیز آشفته کرده، مسیر عادی زندگیشان را تغییر داده، وضعیت اقتصادی را به ورطه نابودی کشیده، رفتارهای اجتماعی را تغییر داده، محور عواطف انسانی را جابجا کرده و بالاخره در این میان هیچ زاویه‌ای از زندگی را در امان نگذاشته و این همان وضعیتی است که شاید در گذر هزاران ساله زندگی انسان‌ها، نمونه‌ای نداشته و تجربه‌ای کاملاً بدیع و ناب است.

بر این اساس می‌توان گفت، چگونگی رفتار و تصمیم‌گیری‌های ما در وانفسای کنونی، جلوه‌ای از شعور و آگاهی و نشانی از فهم و درک ماست که بر صحیفه زمان رقم می‌خورد و همچون آیین‌های فراروی نسل‌های آینده قرار می‌گیرد و زمینه دآوری آن‌ها خواهد بود.

از یاد نبریم که بسیاری از متغیرهای کنونی کمتر موردتوجه